

علم اطلاعات و دانش‌شناسی به مثابه رشته یا میان‌رشته: مروری مجدد بر مسئله

ابوالفضل اسدنی^۱، احمد شعبانی^۲

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی متون و منابع موجود در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای به منظور تعیین جایگاه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در میان ابعاد رشته و میان‌رشته و پاسخ به این سؤال صورت گرفت: آیا امکان دارد واقعیتی به نام میان‌رشته بدون اینکه قبل از آن رشته بودن برای یک حوزه علمی محقق شود، به وجود آید؟

روش / رویکرد پژوهش: به منظور حصول به نتیجه مطلوب، پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با بررسی و تحلیل متون صاحب‌نظران و گونه‌های میان‌رشته انجام شد.

یافته‌ها: تاکنون هفت‌گونه عمده برای مطالعات میان‌رشته‌ای شناسایی شده است: درون‌رشته‌گی، بین‌رشته‌گی، میان‌رشته‌گی، چندرشته‌گی، تک‌رشته‌گی، فرارشته‌گی و پسا‌رشته‌گی که از میان گونه‌های ذکر شده، تنها دو گونه بین‌رشته‌گی و میان‌رشته‌گی منجر به زایش رشته علمی جدید می‌شوند و علم اطلاعات و دانش‌شناسی نتیجه هیچ یک از دو گونه مذکور نیست.

نتیجه‌گیری: علم اطلاعات و دانش‌شناسی به لحاظ موضوع و مسئله مورد بررسی، دارای وجه تمایز از دیگر حوزه‌های علمی است و می‌تواند به عنوان یک رشته شناخته شود، زیرا موضوع این علم تنها اطلاعات مضبوط است؛ اما به دلیل پیچیدگی این مفهوم، محققان این رشته ناگزیر به سمت مطالعات میان‌رشته‌ای حرکت کرده‌اند که نه تنها نقطه ضعفی برای این رشته شمرده نمی‌شود بلکه سبب رشد و گسترش این حوزه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مطالعات میان‌رشته‌ای، میان‌رشته، گونه‌شناسی، طبقه‌بندی علوم.

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کتابدار کتابخانه مرحوم محمدی نژاد کشکوثیه-رفسنجان. shabania@edu.ac.ir

۲. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان. abolfazlasadnia@yahoo.com

مقدمه

بررسی ماهیت رشته‌های دانشگاهی و چگونگی پیوند علوم با یکدیگر، از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران حوزه‌های علمی است زیرا آگاهی از این گونه پیوندها به پژوهشگران و دانشجویان یک رشته کمک می‌کند تا نسبت به زمینه‌ای که در آن مطالعه و تحقیق کرده‌اند، شناخت بهتری پیدا کنند. براین اساس، آگاهی از مرزبندی‌های موجود در علم، بسیار راهگشا می‌تواند باشد.

با وجود مرزبندی و تشعب علوم در گذشته، امروزه با مشاهده تداخل محتوا، روش‌های پژوهش، اصول و نظریه‌ها، ملاحظه نوعی رابطه میان رشته‌ای در عرصه رشته‌های علمی نمایان‌تر می‌شود. به علاوه، افزایش ناهماهنگی اجتماعی ضرورت نیاز افراد به بهره‌گیری از رشته‌های مختلف را شدت بخشیده است (دیانی، ۱۳۷۹). در واقع، امروز بیش از هر زمان دیگر علوم به هم وابسته‌اند و این امر چه بسا ناشی از گسترش و رشد بی‌شمار شاخه‌های علمی در قرن اخیر باشد.

در اقمار گذشته علوم تنها به چند رشته خاص محدود می‌شد. این امر می‌تواند در طبقه‌بندی‌هایی که فلاسفه اسلامی از علوم ارائه داده‌اند، مشاهده کرد. وقوع رنسانس و تلاش آدمی در کشف ناشناخته‌ها سبب شد تا هر روز شاهد گسترش درخت دانش باشیم. به دنبال این گسترش و بهره‌گیری رشته‌های علمی از روش‌ها و نظریه‌های موجود در سایر رشته‌ها برای حل مسائل خود، گفتمان جدیدی به تدریج از قرن هفدهم میلادی با نام میان‌رشته‌گی پدید آمد (خرسندی طاسکوه، ۱۳۸۷).

علم اطلاعات و دانش‌شناسی به عنوان یکی از نظام‌های دانایی که داعیه دار امر طبقه‌بندی علوم است و مباحث طبقه‌بندی ورده‌بندی جزء اساسی‌ترین مفاهیمی است که در این رشته آموزش داده می‌شود، خود دچار نوعی تشبث فکری است و با این علامت سؤال مواجه است که در میان سایر نظام‌های دانایی، در کدام مرتبه و جایگاه قرار دارد؟ آیا به عنوان یک رشته علمی شناخته می‌شود؟ آیا میان رشته است؟ چه بهره‌ای از دیگر علوم گرفته و چه بهره‌ای را به علوم بشری رسانده است؟ (اسدنیا و چشمه سهرابی،

۱۳۹۵). پیدایی این پرسش‌ها تنها به ماهیت و ابعاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی برمی‌گردد، زیرا این رشته زمینه‌ساز مطالعات میان‌رشته‌ای فراوانی است (عصاره و همکاران، ۱۳۹۵).

پژوهشگران پژوهش حاضر بر این باورند که مسئله رشته یا میان‌رشته بودن علم اطلاعات و دانش‌شناسی هنوز به طور کامل حل نشده است، به همین دلیل، شاهد آن هستیم که این موضوع هنوز در دوره‌های ارشد و دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی مطرح و پاسخ‌های متفاوتی به این مسئله بنیادی داده می‌شود. پژوهشگران اثر خود بر این اعتقادند که علم اطلاعات و دانش‌شناسی یک رشته علمی است. به همین دلیل، ضروری می‌نماید تا با مرور مجدد این مسئله از زاویه‌ای متفاوت، پاسخی مناسب به این پرسش داده شود که آیا علم اطلاعات و دانش‌شناسی رشته است یا میان‌رشته؟

تعریف‌های رشته و میان‌رشته

همواره اولین راه برای شناخت یک پدیده، رجوع به تعریف‌هایی است که از آن پدیده در منابع مختلف آمده است. به همین منظور، ابتدا تلاش شده تا به تعریف‌هایی که از رشته^۱ و میان‌رشته^۲ در منابع مختلف علمی آمده است، اشاره شود.

فرهنگ فشرده سخن رشته را هر یک از شاخه‌های مختلفی که در زمینه‌های درسی و شغلی وجود دارد، تعریف کرده است (انوری، ۱۳۸۲: ۱۲۳۵). فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام رشته را موضوع یا زمینه یک کار تعریف می‌کند و میان‌رشته را صفتی دانسته که مربوط به رشته‌هایی است که دارای رابطه با یکدیگرند (صدری افشار، حکمی، حکمی، ۱۳۸۸: ۱۴۰۸). واژه‌نامه برخط مریام وبستر^۳ رشته را زمینه‌ای مطالعاتی تعریف و میان‌رشته را یک صفت تلقی کرده که از ترکیب دو یا چند رشته دانشگاهی یا علمی پدید آمده است. واژه‌نامه انگلیسی زبان آکسفورد^۴ نیز تعریفی مشابه مریام وبستر ارائه می‌دهد و

1. Discipline

2. Interdisciplinary

3. www.merriamwebster.com/dictionary/interdisciplinary

4. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/interdisciplinary>

رشته را شاخه‌ای از علم و همانند دیگر واژه‌نامه‌ها میان رشته‌ای را یک صفت می‌داند که به رشته‌هایی که با یکدیگر ارتباط دارند، اطلاق می‌شود. ویکی‌پدیا انگلیسی^۱ نیز می‌توان گفت تعریفی مشابه آنچه تاکنون بیان شد، ارائه داده و رشته را شاخه‌ای از دانش که به عنوان بخشی از آموزش عالی تدریس و تحقیق می‌شود و میان رشته را شامل ترکیب دو یا چند رشته دانشگاهی برای انجام یک فعالیت تحقیقاتی، تعریف می‌کند.

«روپرو بروکس»^۲ (۱۹۹۹) رشته را جمع برنامه‌آذهان یک گروه از افراد که آنها را از دیگران متمایز می‌کند و فرق بین رشته و میان رشته را در اشتراک دیدگاه‌ها می‌دانند. «زوستاک»^۳ (۲۰۰۸) تعریف خود را در قالب بیان به ویژگی رشته‌ها عرضه و به این امر اشاره می‌کند که رشته‌ها به بررسی پدیده‌های مربوط به خود با توجه به تئوری و روش خود پرداخته و آن پدیده را مطابق با دیدگاه خاص خود تعریف می‌کنند. «گاردنر»^۴ (نقل در توفیقی، ۱۳۸۷) در تعریفی که از رشته ارائه می‌دهد، نگاهی مانند «روپرو بروکس» دارد و رشته را مفاهیم و روش‌هایی که برای اندیشیدن درباره گونه‌های خاصی از مسائل یا پدیده‌ها به کار گرفته می‌شود، تعریف می‌کند. «صدیقی» (۲۰۱۳) میان رشته را خروجی یا فعالیتی با استفاده از دانش، روش‌ها و ابزارها در دو یا چند رشته تعریف می‌کند و توفیقی (۱۳۸۷: ۱۰) مطالعات میان رشته‌ای را چنین تعریف می‌کند: مطالعات گروهی یا انفرادی است که به انسجام بخشی در چشم‌اندازها، مفاهیم، نظریه‌ها یا ابزارها، فنون یا اطلاعات در دو یا بیشتر از دو مجموعه تخصصی دانش، به پژوهش می‌پردازد.

آنچه از تعریف‌های فوق برمی‌آید این است که در فرهنگ‌ها میان رشته را نوعی صفت دانسته‌اند که بالذات وجود ندارد و چنانچه رشته‌ای با رشته دیگر ارتباط برقرار کند، میان رشته گفته می‌شود. این نوع از تعریف شامل رشته‌ای همچون بیوشیمی نمی‌شود؛ رشته‌ای مستقل که از ترکیب دو رشته حاصل شده است. تعریف ویکی‌پدیا نیز تنها به

1. <https://en.wikipedia.org/wiki/Discipline>
 2. Roper & Brookes
 3. Szostak
 4. Gardner

جنبه ترکیب نظر دارد و مطالعات میان‌رشته‌ای را که از طریق ارتباط دورشته به هنگام اجرای یک پروژه مشترک شکل می‌گیرد (بدون ادغام دورشته در یکدیگر) نادیده گرفته است. شاید بتوان تعریف «صدیقی» از میان‌رشته‌ای را قابل قبول دانست. به هر حال، آنچه مسلم است، تعریف‌های متعددی از رشته و میان‌رشته وجود دارد و هنوز توافقی جامع بر سبک تعریف به وجود نیامده است.

پیشینه مطالعات میان‌رشته‌ای

مطالعات میان‌رشته‌ای پدیده‌ای نوظهور نیست. نویسندگان متعددی از نیاز به استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای حمایت کرده‌اند (بنتون^۱، ۱۹۷۶؛ اسلاتری^۲، ۱۹۸۳). لیکن ضروری است ابتدا اشاره‌ای هر چند مختصر به چگونگی شکل‌گیری رشته و مباحث مربوط به آن شود. در ابتدای شکل‌گیری رشته‌های علمی، علوم را به صورت یک کل در نظر می‌گرفتند و کسی که قصد تحصیل داشت، باید با شاخه‌های مختلف علم آشنا باشد، اما این وجه تا زمانی ممکن و میسر بود که تنوع و گستردگی چندانی در علوم ایجاد نشده بود. این دیدگاه جریان قالبی بود که تا قرن نوزدهم به طور عام بر عرصه معارف و علوم سیطره داشت؛ یعنی گرایش موسوم به وحدت کلیه علوم (نوذری، ۱۳۸۳). پس از این دوره و با گسترش مطالعات تخصصی و تقسیم‌فزاینده بین علوم و چندشاخه شدن آن، موج دیگری موسوم به تخصصی‌شدن علوم و شعبه‌های دانش به وجود آمد. این موج چنان پیش رفت که هر علم درصدد برآمد تا روش‌ها، نظریه‌ها و الگوهای خاص خود را ارائه دهد و از ورود دیگر افراد به حوزه‌های متفاوت به شدت ممانعت می‌شد. به نوعی می‌توان گفت این دیدگاه جایگزین ایده وحدت دانش و علوم گردید (همان). این موج با روح میان‌رشته‌ای که همان یکپارچگی دانش بود، در تقابل قرار گرفت (رافولس و مییر^۳، ۲۰۱۰).

1. Benton
2. Slattery
3. Rafols & Meyer

با ظهور پدیده‌های تازه، به تدریج زمینه‌های همکاری و نزدیکی هرچه بیشتر میان رشته‌های فرعی علوم نمایان شد. پدیده‌هایی که امکان بررسی آنها با استفاده از رویکردها و نظریه‌های یک رشته ممکن نبود و از آن می‌توان به عنوان ویژگی میان رشته‌ای علوم نام برد. تعریف «فدایی» از چگونگی ایجاد رشته بهتر می‌تواند این موضوع را روشن سازد: «ایجاد رشته جدید مرهون نیاز بشر به آن رشته علمی است؛ بدان معنا که زمانی یک مسئله نوظهور در جامعه پدید می‌آید که نیازمند توجه ویژه است و باید به طور مستقل بر روی آن بحث و تحقیق شود. در این صورت، رشته‌ای جدید به وجود می‌آید (فدایی، ۱۳۸۹: ۷). در اینجا زمینه‌های شکل‌گیری یک رشته علمی بیان شده است، اما می‌توان از این تعریف برای تبیین علت شکل‌گیری گفتمان میان رشته‌ای و نیاز به بررسی یک موضوع از جنبه‌های گوناگون نیز بهره برد.

«رپکو»^۱ (نقل در آراسته، ۱۳۸۸) معتقد است رشته‌های میان رشته‌ای فرایندی برای پاسخ به یک سؤال، حل یک مسئله و یا پرداختن به موضوعی است که به دلیل پیچیدگی یا گسترش آن نمی‌توان با یک رشته تخصصی، به طور دقیق به مطالعه آن همت گماشت. از این رو، برای شناختن جامع و عمیق، توجه به نگرش‌های مختلف و ترکیب بینش‌ها ضروری است.

مبحث میان رشته‌ای به سال‌های ۱۹۶۷ که علوم فیزیک و علوم طبیعی از یکدیگر وام گرفتند، برمی‌گردد. شاید نتوان مفهوم امروزی میان رشته‌ای را به این نوع وام‌گیری اطلاق کرد، اما نقطه شروعی برای آن بود (ناپ^۲، ۲۰۱۲). به هر روی، دهه ۱۹۶۰ را می‌توان دهه میان رشته‌ای نامید، زیرا در این دهه رویکرد رشته‌های میان رشته‌ای در میان برنامه‌های درسی عمومی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد (آراسته، ۱۳۸۸). تعریف ابتدایی و گسترده میان رشته‌ای از نوع‌شناسی تنوع این گونه مطالعات (چندرشته‌ای، میان رشته‌ای، فرارشته‌ای) در اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پژوهش میان رشته‌ای در دهه

1. Repko
2. Knapp

۱۹۷۰ آغاز شد (اشمیت^۱ نقل در عصاره و همکاران، ۱۳۹۵). در دهه ۱۹۸۰ شورای ملی دانشجویان ممتاز رویکرد میان‌رشته‌ای را به عنوان ابزاری برای برتری علمی مورد حمایت قرار داد (آراسته، ۱۳۸۸) و مؤسسه ملی سلامت^۲ و بنیاد ملی علوم^۳ آمریکا جوایز و بودجه‌هایی را برای مطالعات میان‌رشته‌ای در نظر گرفتند (ناپ، ۲۰۱۲). آغاز رسمی مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران با هدف ارتقای وضعیت علوم انسانی، به سال ۱۳۸۴ باز می‌گردد. از آن زمان تاکنون ۶۰۰ میان‌رشته‌ای در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب رسیده است (محمدی، کیذوری، ۱۳۸۹). بند «د» ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت را به بازنگری در رشته‌های دانشگاهی بر مبنای نیاز اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی در راستای توسعه علوم میان‌رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی، موظف نموده است (رحیم زاده، ۱۳۸۸).

جدول ۱: پیشینه مطالعات میان‌رشته‌ای

| نوع نگاه به رشته‌های علمی | برهه زمانی |
|---|---------------------------------|
| گرایش به وحدت علوم | از پیدایش علوم تا قرن ۱۹ میلادی |
| تخصصی شدن علوم و شکل‌گیری رشته‌های علمی | قرن ۱۹ میلادی به بعد |
| شکوفایی مطالعات میان‌رشته‌ای | ۱۹۶۰ میلادی |
| حمایت از مطالعات میان‌رشته‌ای | ۱۹۸۰ میلادی |
| آغاز مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران | ۱۳۸۴ شمسی |

گونه‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای

یکی از راه‌های شناخت پدیده‌های علمی، مطالعه گونه‌های پدیده‌های موردنظر و تفاوت‌های موجود میان آنهاست. تاکنون گونه‌های زیادی از مطالعات میان‌رشته‌ای در منابع علمی معرفی شده است. در ادامه، مهم‌ترین این گونه‌ها معرفی می‌شود. «خرسندی طاسکوه» (۱۳۸۷) به هفت گونه از مطالعات میان‌رشته‌ای اشاره می‌کند

1. Schmidt
2. National Institutes of Health
3. National Science Foundation

که تعریف‌های آنها در ادامه می‌آید. درون‌رشته‌گی^۱ فرایندی است که در آن فعالیت‌های میان‌رشته‌ای و مقوله تلفیق در درون یک رشته خاص صورت می‌گیرد. این گونه به لحاظ ساختاری با سایر گونه‌ها متفاوت و نقطه تلاقی و اشتراک میان آنها در مقوله تلفیق است. مطالعه گرایش‌های مختلف رشته علوم تربیتی بر روی مسئله افت تحصیلی، مثالی از این نوع مطالعات است. میان‌رشته‌گی^۲ عبارت است از مطالعه و بررسی یک پدیده مرتبط با یک رشته خاص با استفاده از مبانی، تجارب، مهارت‌های روشی و آزمایشگاهی یک رشته علمی دیگر. رشته فیزیک موسیقی مثال مناسبی از این گونه است که در آن با استفاده از روش‌های فیزیکی و آزمایشگاهی، به مطالعه موسیقی می‌پردازند و یا سیاست ادبیات. میان‌رشته‌گی^۳ به تعامل، ارتباط، همکاری آگاهانه و روشمند حرفه‌ای میان کنشگران و متخصصان رشته‌ها از حوزه‌های مختلف علمی اطلاق می‌شود. قوم‌نگاری، ادبیات تطبیقی، زیست‌جامعه‌شناسی^۴ مثال‌هایی از این دسته هستند. چندرشته‌گی^۵ گونه‌ای است که طی آن هر یک از کنشگران و متخصصان رشته‌های مختلف در بررسی و مطالعه یک مسئله و موضوع مشترک از نظرگاه معرفتی ورشته‌ای خاص خود کار می‌کنند. باستان‌شناختی نمونه مناسبی برای این گونه است که در آن متخصصان رشته‌های جغرافیا، زیست، باستان‌شناسی، زمین‌شناسی و... هر یک به مطالعه یک منطقه باستانی از دیدگاه خود می‌پردازند.

تکثررشته‌گی^۶ عبارت است از گفتگو، تعامل و همکاری میان نظریه‌ها، تخصص‌ها، ابزارها، شیوه‌ها و تجربه‌های متعدد از حوزه‌های مختلف علمی به منظور بررسی و شناسایی مسئله‌ای مبتلابه که اجتماع وسیعی را در برمی‌گیرد. این گونه، موضوعاتی مانند ایدز، افزایش گرمای جهانی و اعتیاد را که جنبه اجتماعی دارند، در برمی‌گیرد.

-
1. Intradisciplinary
 2. Cross Disciplinary
 3. Interdisciplinarity
 4. Sociobiology
 5. Multidisciplinary
 6. Pluridisciplinary

فرارشتگی^۱ عبارت است از همگرایی چشم‌اندازها و نظرگاه‌های علمی، فلسفی و معرفتی به منظور رسیدن به شناخت حقیقت، طبیعت، و معرفت. این گونه بر روی پدیده‌ها و پرسش‌های بنیادی متمرکز است که ماهیتی فلسفی - معرفتی دارند؛ مانند پرسش و تأمل درباره ماهیت انسان، نظام‌های دانش، علم و... . پسارشتگی^۲ که به ضد‌رشته‌ای و انعکاسی نیز شناخته می‌شود و بحث از تقسیم‌بندی و مقوله‌بندی معرفتی و روشی دانش‌ها را امری مردود می‌داند و بر این مفروضه استوار است که تقسیم‌بندی علم و دانش به رشتگی، میان‌رشتگی و حتی فرارشتگی یک تقسیم‌بندی ایدئولوژیک است.

ذکر این نکته حایز اهمیت است که تعریف‌های متفاوتی از این گونه‌ها ارائه شده است. «پِنسِنیوس»^۳ (۲۰۱۶) درون‌رشتگی را کار در درون یک رشته، بین‌رشتگی را نگریستن به یک رشته از دیدگاه دیگران، میان‌رشتگی را یکپارچه‌سازی دانش و روش‌ها از پیشینه‌های مختلف با استفاده از یک سنتز^۴ واقعی از رویکردها، چندرشتگی را افرادی با رشته‌های مختلف که با یکدیگر کار می‌کنند و فرارشتگی را ایجاد یک وحدت فکری فراتر از جنبه‌های رشته‌ای تعریف کرده است. هر چند تعریف‌های مزبور تا حدودی در برخی عبارات و واژگان متفاوت است، اما به یک مفهوم مشترک اشاره دارند.

لازم به ذکر است، از میان گونه‌های مورد معرفی، تنها دو گونه بین‌رشتگی و میان‌رشتگی منجر به زایش رشته‌ای جدید می‌شوند. بیوشیمی مثالی عمومی برای بین‌رشتگی است که در آن مسائل زیستی از منظر رشته شیمی بررسی می‌شود. سایبرنتیک را می‌توان مثالی برای میان‌رشتگی نام برد که از علوم همچون ریاضی، کامپیوتر، مهندسی برق و... به وجود آمده است. آنچه از تعریف‌ها و گونه‌های فوق می‌توان استنباط کرد این است که تفاوت گونه‌ها برخاسته از میزان مشارکت محققان و رشته‌ها در حل یک مسئله و میزان تلفیق رشته‌هاست. همچنین آگاهی از این گونه‌ها و

1. Transdisciplinarity
2. Post-disciplinarity
3. Jensenius
4. Synthesis

تعریف‌های آنها کمک می‌کند در کاربرد واژگان مربوط به این حوزه دچار آشفتگی نشویم و مفهوم صحیح را برای هر مورد به کار ببریم.

مزایا و معایب مطالعات میان‌رشته‌ای

اسناد بسیاری در زمینه سیاست علمی بر فایده تحقیقات میان‌رشته‌ای تأکید دارند (صدیقی، ۲۰۱۶). دلایل متعددی می‌توان در زمینه اهمیت مطالعات میان‌رشته‌ای آورد. مطالعات میان‌رشته‌ای از جنبه عملی قابل اهمیت است زیرا بسیاری از مشکلات را نمی‌توان به آسانی با ویژگی‌های خاص یک رشته بیان کرد (ناپ، ۲۰۱۲) و این امر ناشی از پیچیدگی طبیعت و جامعه و علاقه‌مندی پژوهشگران برای حل مسائل و ارائه پاسخ‌هایی است که در چارچوب یک تخصص نمی‌گنجد (آراسته، ۱۳۸۸). از بهترین مثال‌هایی که می‌توان برای مزیت مطالعات میان‌رشته‌ای بیان کرد، مباحث مربوط به دوره‌های زمین‌شناسی است که در آن علوم مختلف با اشتراک یکدیگر به مطالعه موضوع از دیدگاه خود می‌پردازند.

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مسئله‌مدار و معطوف به هدف^۱ است، زیرا محقق به جای آنکه تلاش کند موضوع مورد بررسی را در قالب رشته تحصیلی خاصی قرار دهد، سعی دارد راهکاری برای حل مسائل واقعی و دستیابی به نتیجه مطلوب پیدا کند، بدون آنکه نگران مرزهای قراردادی میان رشته‌ها شود. وی خود را محدود به یک رشته خاص ندانسته، بلکه با برخورداری از مهارت‌های یادگیری مستقل و مادام‌العمر^۲ که همراه با تفکر انتقادی^۳ است، برای دسترسی به حقیقت از مرزهای میان رشته‌ها عبور می‌کند (منصوریان، ۱۳۹۱).

مزیت دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد و ریشه در ذات مطالعات میان‌رشته‌ای دارد، ترغیب و تشویق پژوهشگران به کار تیمی است. این امر می‌تواند به بهبود و حصول

1. Problem Centered and Mission Oriented
2. Lifelong and independent Learning
3. Critical Thinking

آسان و سریع استنتاج‌ها کمک شایانی کند. این نوع از همکاری سبب انتقال اطلاعات و تجربه‌ها در میان رشته‌ها می‌شود. «پیرز»^۱ (نقل در چانگ و هوانگ^۲، ۲۰۱۲) به سه نوع از انتقال اطلاعات در مطالعات میان‌رشته‌ای اشاره می‌کند: ۱. ارجاع به منابعی از رشته دیگر^۲. همکاری با پژوهشگران دیگر رشته‌ها و ۳. چاپ در نشریات خارج از رشته.

اگرچه مطالعات میان‌رشته‌ای مزیت‌های انکارناپذیری را داراست، حاوی معایبی نیز هست؛ از جمله آنکه حوزه‌های میان‌رشته‌ای از لحاظ آموزشی مبهم و پیش‌بینی‌ناپذیرند (آراسته، ۱۳۸۸) و این امر می‌تواند ناشی از آگاهی‌نداشتن نسبت به سهم هر رشته و نیز تغییر نیازهای جامعه باشد. در سطور پیشین اشاره شد که علت شکل‌گیری میان‌رشته‌ای برخاسته از نیاز جامعه است. اما انتقاد حاد نسبت به مطالعات میان‌رشته‌ای از آن «هانسون»^۳ (نقل در ناپ، ۲۰۱۲) است که مطالعات میان‌رشته‌ای را انگلی خوانده و بیان داشته است که مطالعات میان‌رشته‌ای به درستی تعریف نشده است زیرا نمی‌توان آن را در دنیای واقعی پیاده‌سازی کرد. به هر حال، آنچه مسلم است، هر پدیده‌ای دارای مزایا و معایبی است، اما نکته‌ای که باید به آن توجه شود، پدیده‌ای ماندگار خواهد بود که مزایای آن بیش از معایب آن باشد.

جایگاه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در میان مطالعات میان‌رشته‌ای

در آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی) مدرّسان همواره با نگرانی خاصی روبه‌رو بوده و آن ارائه تعریفی از خود، زمینه‌های فعالیت و موضوعات مختلفی است که باید توسط مدارس کتابداری زیرپوشش قرار گیرد، زیرا مهم‌ترین نقطه برای تعیین برنامه درسی، تعریف رشته‌ای است که آن را آموزش می‌دهند؛ تعریفی که دانشجو را تحریک کند (مورالز^۴، ۱۹۹۵). علم اطلاعات و دانش‌شناسی به دلیل ماهیت موضوعی که به بررسی آن می‌پردازد، همواره با مشکل برخورد با دیگر

1. Pierce
2. Chang & Huang
3. Hanson
4. Morales

حوزه‌های علمی و ارائه تعریفی از خود روبه‌رو بوده است. علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر این مدعاست که به مطالعه اطلاعات می‌پردازد به همین دلیل باید تعریفی ارائه کند که متفاوت از دیگر رشته‌هایی باشد که به اطلاعات پرداخته و نقطه تمیزدهنده این حوزه یا دیگر حوزه‌های علمی باشد. به عقیده «مورالز» (۱۹۹۵: ۱۸) کتابداری و اطلاع‌رسانی تنها به مطالعه اطلاعات مضبوط می‌پردازد و این دیدگاه تمیزدهنده این حوزه با دیگر حوزه‌هاست و هنگامی که وجه تمایز، از لحاظ حوزه و موضوع مورد بررسی، مشخص شد دیگر بهره‌بردن از راهبردها و روش‌های دیگر رشته‌ها برای مطالعه پدیده اطلاعات، نه تنها مضر نیست بلکه بسیار مفید است.

«نشاط» (۱۳۹۰: ۱۲) در تأیید این مدعا بیان کرده که «اطلاعات مفهومی سیال، چندوجهی و چندگانه است. به همین دلیل، وابستگی متقابل و تنگاتنگی بین اطلاعات و متغیرهای گوناگون دیگری وجود دارد. از این‌رو، استفاده از یک مدل صرفاً اطلاعاتی کافی نیست و برای تحلیل کارآمد و موفق یک موقعیت باید رشته‌های بیشتری فعالانه در تجزیه و تحلیل وارد شوند.» به همین دلیل است که امروزه در علم اطلاعات و دانش‌شناسی شاهد افزایش فعالیت‌های میان‌رشته‌ای هستیم زیرا تفکر فرارشته‌ای هرگز بدین معنا نیست که هریک از اجزای یک رشته جذب رشته دیگری شود، بلکه حاکی از میل به ایجاد وحدتی است که به تشریح جایگاه و مدل‌ها می‌انجامد و سبب بازشناسی و گسترش مفاهیم چندگانه می‌شود.

«پرتو و گل‌تاجی» (۱۳۹۰) ضمن بررسی نظریه‌های پرکاربرد در کتابداری، بیان می‌کنند که کتابداری از ضعف نظریه رنج می‌برد و بیشتر نظریه‌های خود را از دیگر رشته‌ها وام گرفته است. این امر را یکی از دلایل میان‌رشته‌ای بودن کتابداری می‌دانند. حال آنکه «ریسمان‌باف» (۱۳۸۵) وام‌گیری نظریه‌های کتابداری از سایر رشته‌ها را ضعف کتابداری نمی‌داند و میان‌رشته‌ای را امری ضروری برای پیشرفت علم می‌داند. «عصاره و همکاران» (۱۳۹۵) با استفاده از روش علم‌سنجی به بررسی ساختار میان‌رشته‌ای علم اطلاعات و دانش‌شناسی پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان داد میزان تأثیرپذیری حوزه علم اطلاعات از

حوزه‌های دیگر، بیشتر از تأثیرگذاری آن بر سایر حوزه‌ها بوده و از مبانی، رویکردها و نتایج سایر حوزه‌ها بیشتر بهره برده است. پژوهشگران مزبور این امر را نشانه ضعف ندانسته‌اند، بلکه آن را موجب رشد هر چه بیشتر این رشته با مشارکت و همکاری علمی حوزه‌های دیگر می‌دانند.

مطالعات «لویت و ثلوال»^۱ (۲۰۰۸) نشان داد مطالعات میان‌رشته‌ای در کتابداری نسبت به دیگر مقاله‌های این حوزه استناد بیشتری دریافت می‌کند، اما نه لزوماً به صورتی که در دیگر رشته‌ها وجود دارد؛ حال آنکه «چانگ و هوآنگ» (۲۰۱۲) با استفاده از روش علم‌سنجی و بررسی استنادهای رشته کتابداری نشان دادند که استناد مستقیم در مقاله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در میان ۳۰ رشته توزیع شده است، اما هم‌نویسندگی در میان ۲۵ رشته توزیع شده که بیانگر این امر است که محققان این رشته از آثار پژوهشگران دیگر رشته‌ها بهره بیشتری نسبت به همکاری با آنها برده‌اند.

به هر حال، علم اطلاعات و دانش‌شناسی به دلیل ماهیت موضوع مورد مطالعه خود، ناچار از بهره‌جویی از روش، تکنیک، ابزارها و آثار دیگر رشته‌هاست و تحقیقاتی که در این زمینه نیز انجام شده، مؤید این مدعا است. از این رو، حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ناگزیر از حرکت به سمت انجام تحقیقات میان‌رشته‌ای است.

بحث و نتیجه‌گیری

اطلاعات در نگاه اول مضمونی یگانه و بدیهی است، اما هنگامی که درباره آن پرسش شود از هم می‌پاشد، گوناگون شده و به مفاهیم بی‌شماری بدل می‌گردد که هر یک پرسش تازه‌ای را مطرح می‌کند (نشاط، ۱۳۹۰). اطلاعات گاهی اوقات با دانش مشابه انگاشته شده است. زمانی در ابعاد معنایی، برخی اوقات با چارچوب عوالم طبیعی مورد رجوع است. آنچه از پیکره اطلاعات مشهود است، وضوح نامتعارف تعریف‌های متعددی است که برای اطلاعات مفهوم می‌یابد. به همین دلیل، حوزه‌های علمی درگیر

1. Levitt & Thelwall

بررسی این پدیده ناگزیر از روش‌ها و ابزارهای یکدیگر برای مطالعه اطلاعات بهره می‌گیرند. برای پاسخ به این نکته که علم اطلاعات و دانش‌شناسی چه جایگاهی در ابعاد رشته یا میان‌رشته دارد، ناگزیر این پرسش مطرح می‌شود: آیا امکان دارد واقعیتی به نام میان‌رشته بدون اینکه قبل از آن رشته بودن برای یک حوزه علمی محقق شود، به وجود آید؟ (فدایی، ۱۳۸۹).

برای پاسخ به این سؤال باید از گونه‌های موجود در مطالعات میان‌رشته‌ای کمک گرفت. چنانکه در سطور قبل اشاره شد، از میان گونه‌های مشهور و متداول مطالعات میان‌رشته‌ای، تنها در دو گونه بین‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای شاهد زایش رشته‌ای نو هستیم. هدف از بیان گونه‌های مزبور این است که اگر کتابداری و اطلاع‌رسانی را علمی میان‌رشته‌ای در نظر بگیریم پس قاعدتا باید در یکی از این دو گونه قرار بگیرد. ممکن است عده‌ای چنین بیان کنند که کتابداری و اطلاع‌رسانی حوزه‌ای است که از تلفیق علوم کتابداری و علم اطلاع‌رسانی به وجود آمده است. پس در این صورت باید کتابداری را رشته‌ای مستقل و اطلاع‌رسانی را در منظر مستقل دیگری در نظر گرفت. انجمن علم اطلاع‌رسانی آمریکا بیان می‌کند که علم اطلاع‌رسانی یک میان‌رشته است که از تلفیق رشته‌های علوم کتابداری، علوم مهندسی، علوم رایانه، ریاضیات، زبان‌شناسی و روان‌شناسی به وجود آمده است (نورتون^۱، ۱۳۸۴). این انجمن بر این ادعا که علم اطلاع‌رسانی رشته‌ای مستقل است، خطّ بطلان می‌کشد. چگونه ممکن است رشته‌ای هم خالق و هم مخلوق باشد؛ به این صورت که کتابداری از یک سوبه عنوان یکی از رشته‌های مادر علم اطلاع‌رسانی باشد و از سوی دیگر خود از ترکیب با علم اطلاع‌رسانی شکل گرفته باشد.^۲

چنانچه از دیدگاه میان‌رشته‌گی ملاحظه شود، باید فرض کرد که آنچه «دیویی» در

1. Nurton

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به: بهمن‌آبادی، علیرضا (۱۳۸۱). مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه کلمبیا به عنوان یک رشته دانشگاهی تدریس می‌کرد، کتابداری نبوده است. بر این قرار که اصلاً رشته‌ای به عنوان کتابداری نداشته بلکه در اواسط قرن بیستم میلادی کتابداری از تلفیق چندین رشته به مانند سایبرنتیک حاصل شد. چنانکه گفته شد، سایبرنتیک علمی است که از ترکیب چندین رشته به وجود آمده است. پذیرش چنین فرضی به نظر کمی ساده‌انگارانه است؛ همان‌گونه که نمی‌توان منکر این امر شد که بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته در رشته کتابداری ماهیت بین‌رشته‌ای دارد. برای مثال، در علوم تربیتی بیان شده که عامل وارثت بر میزان هوش افراد مؤثر است و بهره هوشی را از دیدگاه زیست‌شناسی و ژنتیک بررسی می‌کنند و دلیلی بر این مدعا که علوم تربیتی بین‌رشته‌ای است، متصور نمی‌شوند.

حال می‌توان به این پرسش پاسخ داد که «امکان دارد واقعیتی به نام میان‌رشته بدون اینکه قبل از آن، رشته بودن برای یک حوزه علمی محقق شود، به وجود آید؟» بعید است تا برای حوزه‌ای مفهوم رشته بودن محقق نشده، واقعیتی به نام میان‌رشته ایجاد شود. اساساً برای طبقه‌بندی رشته‌های علمی، ملاک‌هایی را قرار می‌دهند. «سجادی» (۱۳۶۰) اساس تمایز و تقسیم‌بندی علوم را سه ویژگی دانسته است: ۱. تقسیم بر اساس موضوع ۲. مسائل ۳. مسائل و موضوع توأم. علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر اساس موضوعی که بررسی می‌کند، دارای وجه تمایز از دیگر حوزه‌های علمی است که به عنوان یک رشته شناخته شود، زیرا موضوع این علم تنها اطلاعات مضبوط است. اما به دلیل پیچیدگی این مفهوم، محققان این رشته ناگزیر به سمت مطالعات میان‌رشته‌ای حرکت کرده‌اند که نه تنها نقطه ضعفی برای این رشته شمرده نمی‌شود، بلکه سبب رشد و گسترش این حوزه نیز می‌گردد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۸). «میان‌رشته‌ای‌ها در آموزش عالی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، ش ۲، صص ۲۵-۴۰.
- اسدنیا، ابوالفضل و مظفر چشمه سهرابی (در نوبت چاپ). «جایگاه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در درخت

- علم، مطالعات کتابداری و علم اطلاعات.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
- پرتو، پردیس و مرضیه گلناجی (۱۳۹۰). «ماهیت میان‌رشته‌ای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۳ (۲-۳)، صص ۱۲۱-۱۴۳.
- توفیقی، جعفر (۱۳۸۷). «میان‌رشته‌ای‌ها: مفاهیم، رویکردها، دیرینه‌شناسی و گونه‌شناسی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، ش ۱، صص ۱-۱۷.
- سجادی، سیدمحمدصادق (۱۳۶۰). طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی. تهران: مولف.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷). گفتمان میان‌رشته‌ای دانش: مبانی نظری، گونه‌شناسی و خط‌مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دنیانی، محمدحسین (۱۳۷۹). مباحث بنیانی در کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران: ده مقاله، مشهد: انتشارات کتابخانه رایانه‌ای.
- رحیم زاده، فریدون (۱۳۸۸). «گذری کوتاه بر چند طرح میان‌رشته‌ای»، فارابی، ۸، صص ۶۲-۶۸.
- ریسمان‌باف، امیر (۱۳۸۵). «کتابداری حرفه‌ای مبتلا به فقر نظریه: پیامدها و پیشنهادهایی برای بهبود اطلاع‌شناسی»، ۴ (۲-۱)، صص ۳۲-۳۶.
- صدری افشار، غلامحسین؛ نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۸). فرهنگنامه فارسی واژگان و اعلام، تهران: فرهنگ معاصر.
- عصاره، فریده و دیگران (۱۳۹۵). «تحلیل و مقایسه ساختار میان‌رشته‌ای علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر اساس خوشه‌بندی و روابط استنادی آن در دوره قیام و بعد از پیدایش وب»، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ش ۳، صص ۶۷۵-۷۰۳.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۸۹). «کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ رشته یا میان‌رشته؟»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۲ (۲)، صص ۱-۱۸.
- مهرمحمدی، محمود و امیرحسین کیذوری (۱۳۸۹). «شاخص‌های ارزیابی کیفیت میان‌رشته‌ای‌های دانشگاهی؛ ابزاری برای برنامه‌ریزی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۲ (۲)، صص ۸۹-۱۱۲.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). «مشارکت کتابداران در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای»، سخن هفته، ش ۱۰۲، ۸ آبان. <http://www.lisna.ir/note/> مشارکت-کتابداران-در-پژوهش‌های-میان‌رشته‌ای.
- نشاط، نرگس (۱۳۹۰). «ضرورت تفکر فرارشته‌ای در مطالعات علم اطلاعات»، پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱ (۲)، صص ۱۱-۲۸.
- نورتون، ملانی جی (۱۳۸۴). مبانی علم اطلاع‌رسانی، ترجمه جواد بشیری و محسن عزیزی، تهران: نشر کتابدار.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۳). «ماهیت بین‌رشته‌ای علوم: در ضرورت همکاری و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی»، تاریخ معاصر ایران، ش ۳۰، صص ۱۷۱-۲۳۰.
- Benton, D. A (1976). Management and effectiveness measures for interdisciplinary research. SRA Journal. Spring, pp 37-45.

- Chang, Yu-Wei; Huang, Mu-Hsuan (2012). A study of the evolution of interdisciplinarity in library and information sciences using three Bibliometric. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*. 63(1). Pp 22-33.
- Discipline. 2016. In Oxford Dictionaries. Retrieved Sep 8, 2016, from <https://en.oxforddictionaries.com/definition/interdisciplinary>.
- Discipline. In Wikipedia. Retrieved Sep. 10, 2016, from <https://en.wikipedia.org/wiki/Discipline>.
- Interdisciplinary. 2016. In Merriam-Webster. Retrieved Sep 8, 2016, from www.merriamwebster.com/dictionary/interdisciplinary.
- Jensenius, A.R(2016). "Disciplinarity: Intra,Cross,Multi,Inter,Trans". Available at: www.arj.no/2012/03/12/disciplinarity.
- Knapp, A, Jeffrey (2012). Plugging the "whole": Librarians An interdisciplinary Facilitators. *Library Review*. Vol 61, No 3, pp 199-214.
- Levitt, J.M; Thelwall, M (2008). Is Multidisciplinary research more highly Cited? A more level study. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*. Vol 59, No 12, pp 1973-84.
- Morales, Estela (1995). Library Science curriculum. *librarian career Development*. Vol 3, No 3, pp 15-19.
- Rafols, Ismael; Meyer, Martin (2010). Diversity and network coherence as indicators of interdisciplinarity: Case study in bionanoscience. *Scientometrics*, 82, pp 236-287.
- Roper, Angela; Brookes, Maureen (1999). Theory and reality of Interdisciplinary research. *International Journal of contemporary Hospitality Management*. Vol 11, No 4, pp 174-179.
- Sedighi, Mehri (2016). Interdisciplinary relations some high-priority fields of science and technology. *Library Review*. Vol 62, No 6/7, pp 47-419.
- Slattery, P (1983). Social scientific methodology and hospitality management. *International Journal of Hospitality management*. Vol 2, No 1, pp 9-14.
- Szostak, Rick (2008). Classification, Interdisciplinarity and the study of Science. *Journal of Documentation*. Vol 64, No 3.